

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۱/۲۰

مسیح موسوی‌زادگان<sup>۱</sup>، احمد ضابطی جهرمی<sup>۲</sup>سینمای مستند باستان‌شناختی ایران<sup>۳</sup>

## چکیده

فیلم‌های مستند همواره از مهم‌ترین ابزارها در آموزش و پژوهش‌های علمی گوناگون - و از جمله باستان‌شناسی‌اند. متأسفانه در کشور ما این کاربرد فیلم‌های مستند در رشته باستان‌شناسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این در حالی است که در دیگر کشورها، به این امر بسیار توجه شده است، به گونه‌ای که امروزه به عنوان رشته‌ای مستقل در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. در این مقاله با توجه به کاستی یادشده، کوشش می‌شود تا ضمن ارائه تعریف از سینمای مستند باستان‌شناختی (با هدف ایران‌شناسی)، به طبقه‌بندی زیرگونه‌های آن پرداخته شود و تاریخچه آن در ایران و جهان مورد بررسی قرار گیرد و افزون بر اینها، مزایا و کارکردهای پژوهشی و علمی آن تبیین گردد. این پژوهش از نوع نظری و توسعه‌ای است و روش انجام آن، کتابخانه‌ای و اسنادی (فیلم). از آنجا که عرصه سینمای مستند باستان‌شناسی ایران، بر خلاف دیگر ژانرهای سینمای مستند همچون سینمای مردم‌نگار (اتنوگرافیک) - از مباحث نظری خالی است، مؤلفان بر آن شدند که با انجام این پژوهش، نخستین گام را در این زمینه بردارند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فیلم مستند در زمینه باستان‌شناسی، فیلمی است که در آن با اتکا به پژوهش علمی، به مقوله‌هایی چون روش‌های متداول و چارچوب نظری و نیز محدوده پژوهش و اهداف کلی باستان‌شناختی و دیگر علوم مرتبط پرداخته شده باشد.

**کلیدواژه‌ها:** باستان‌شناسی، سینمای مستند، فیلم مستند باستان‌شناختی.

۱. کارشناس ارشد رشته ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، استان تهران، شهر تهران

E-mail: Masihmousavi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه آموزشی تولید تلویزیونی، دانشکده صدا و سیما، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)

E-mail: Ahmad\_z\_jahromi@yahoo.com

۳. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مسیح موسوی‌زادگان با عنوان «ایران‌شناسی باستان‌شناختی در سینمای مستند ایران»، به راهنمایی دکتر احمد ضابطی جهرمی است.

## مقدمه

فیلم مستند به‌ویژه در عصر گسترش روزافزون رسانه‌ها و فناوری دیجیتال، کاربردی هر دم وسیع‌تر یافته و خود به موضوعی برای مطالعه در رشته‌های مختلف تبدیل شده است. فیلم مستند در ایران، به دلیل ورود به عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و پژوهشی، سال‌هاست که در محافل علمی و نهادهای پژوهشی مورد توجه قرار دارد. مستندسازان ایرانی با دیدگاه‌ها و عقاید گوناگون به جنبه‌های مختلفی از این سرزمین مانند تاریخ، فرهنگ، مردم، هنر، صنعت، طبیعت و جز اینها پرداخته‌اند. باستان‌شناسی ایران نیز از جمله مواردی بوده که توجه گروهی از مستندسازان ایرانی را به خود معطوف کرده است، لیکن پرسش اینجاست که آیا تاکنون مبحث «فیلم مستند باستان‌شناختی» به عنوان مطالعه‌ای بین‌رشته‌ای در محافل علمی و پژوهشی ایران به‌ویژه در دانشگاه‌ها مطرح شده است یا نه. با اینکه امروزه عصر مطالعات نظری بین‌رشته‌ای در حوزه سینما و دیگر علوم است و گسترش و تحول فیلم مستند نیز خود بسیار مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تاکنون کوششی در زمینه ارائه تعریف «فیلم مستند باستان‌شناختی» و تبیین مبانی نظری آن صورت نگرفته است. با وجود پیشینه نسبتاً طولانی و تعداد زیاد فیلم‌های ساخته‌شده در زمینه باستان‌شناسی، رشد مباحث نظری و شناخت علمی در این حوزه، به هیچ وجه درخور اعتنا نیست. افزون بر این، زبان مشترکی میان باستان‌شناسان و فیلم‌سازان وجود ندارد و البته دستیابی به این زبان مستلزم تداوم و تعمیق مباحث بین‌رشته‌ای در حوزه‌های نظری تعامل بین هنر فیلم مستند و علم باستان‌شناسی است.

طرح این بحث با توجه به تجربه‌های موفق کشورهای غربی میان مستندسازان و باستان‌شناسان، چندان غریب نیست و به نظر می‌رسد که امروز با توجه به رشد کمی و کیفی که مستندسازی و باستان‌شناسی، زمان آن رسیده باشد که در کشور ما نیز ارتباط خلاقانه بین این دو به وجود آید و به مفاهیم و معانی نسبتاً مشترک هنر فیلم و این شاخه از علوم پرداخته شود.

## تعریف فیلم مستند ایران‌شناسی باستان‌شناختی

برای تعریف فیلم مستند باستان‌شناختی، ابتدا ارائه تعاریفی از فیلم مستند و باستان‌شناسی، ضروری می‌نماید. در ساده‌ترین و روشن‌ترین تعریف فیلم مستند، می‌توان آن را شکلی سینمایی برشمرد که زندگی واقعی انسان و محیط او را معمولاً بدون استفاده از داستان یا صحنه‌پردازی و بازیگران حرفه‌ای به نمایش می‌گذارد. در این شکل سینمایی از واقعیت‌های عینی و طبیعی استفاده می‌شود. فیلم مستند در مواردی خاص نیز از داستان سود می‌جوید، البته نه از نوع درام معمول در سینمای نمایشی داستانی؛ اما در همین حالت نیز شدیداً به واقعیت استناد می‌کند (ضابطی‌جهرمی، ۱۳۸۷، ۲۴۰). مستندسازی شکلی از هنر سینما و روشی از فیلم‌سازی است که در آن مستندساز واقعیتی را خارج از تخیل خود انتخاب می‌کند، تا آن را از دیدگاه شخصی‌اش بازنمایی کند (ضابطی‌جهرمی، ۱۳۸۷، ۲۴۰).

باستان‌شناسی مطالعه فرهنگ مادی انسان‌ها و جوامع گذشته، و از شاخه‌های انسان‌شناسی است که در تصحیح متون تاریخی نقش عمده‌ای دارد. گستره مطالعات باستان‌شناسی، عمدتاً از زمانی است که انسان‌ها شروع به ساخت ابزار کردند یعنی از میلیون تا ۸۰۰ هزار سال پیش. انسان‌هایی که ابزارساز نبودند، در محدوده مطالعات شاخه دیرین‌شناسی رشته انسان‌شناسی جای می‌گیرند. بنابراین می‌توان گفت که باستان‌شناسی آن شاخه از انسان‌شناسی است که درباره

انسان‌های ابزارساز بحث و مطالعه می‌کند. باستان‌شناسان نیز پژوهشگرانی هستند که درباره فرهنگ مادی انسان و جوامع گذشته انسانی پژوهش تحقیق و مطالعه می‌کنند (ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۱).

حال با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان فیلم مستند باستان‌شناختی را چنین تعریف کرد: «فیلمی در قالب مستند و [دارای] ویژگی‌های متعارف آن (موضوع واقعی، فضای واقعی و شخصیت‌های واقعی) [است] که با اتکا به پژوهش علمی، به روش‌های جاری، چارچوب نظری، محدود پژوهش و اهداف کلی باستان‌شناسی، و دیگر علوم مرتبط با آن می‌پردازد».

### طبقه‌بندی و گونه‌شناسی فیلم مستند باستان‌شناختی

احتمالاً کاسپر جی. کرامر [۱] نخستین پژوهشگری بوده است که در سال ۱۹۵۸ فیلم‌های باستان‌شناسی را با توجه به اهداف آنها در دسته‌های مختلفی چون فیلم‌های الهام‌بخش، تربیتی، تفسیری، آموزشی و جز اینها جای داد (وایت بیل و هلی، ۱۹۷۵).

ژان لوید [۲] (۱۹۷۰)، استاد دانشگاه سوربن پاریس، فیلم‌های باستان‌شناسی را با توجه به نوع مخاطبانی که فیلم برای آنها در نظر گرفته می‌شد، به دو نوع کلی تقسیم کرد: «فیلم‌های حرفه‌ای» [۳] یا تخصصی برای مخاطبان اهل فن (به عنوان مثال، باستان‌شناسان حرفه‌ای)، و «فیلم‌های آموزشی» [۴] برای دانشجویان و مخاطبان عام. با این حال، امروزه جهت‌گیری فیلم‌های باستان‌شناسی به استثنای برخی از فیلم‌ها در زمینه فناوری- به سوی دانشجویان و عموم مردم است. فیلم‌های حرفه‌ای یا تخصصی با محتوای دقیق‌تر و یا پیچیده‌تر به طور مشخص برای استفاده باستان‌شناسان ساخته می‌شوند لیکن تولید آنها به دلیل هزینه و ظرفیت محدود پخش یا توزیع به ندرت صورت می‌گیرد. چه بسا از مفیدترین راه‌ها برای بررسی فیلم‌های باستان‌شناسی، تقسیم‌بندی آنها نه با توجه به هدف و یا مخاطب‌شان بلکه تقسیم‌بندی بر حسب موضوع [۵] باشد. فیلم‌های مستند باستان‌شناختی را با استفاده از تقسیم‌بندی موضوعی، می‌توان در دو شاخه کلی جا داد:

### شاخه یکم

در این شاخه، پنج گونه از انواع فیلم، بدون هم‌پوشانی، به چشم می‌خورد:

- ۱- فیلم‌های مستند باستان‌شناسی روش‌شناسانه (متدولوژیک): اینها دربرگیرنده تکنیک‌های حفاری و یا تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی یافته‌های باستان‌شناسی‌اند.
- ۲- فیلم‌های مستند باستان‌شناسانه تک‌محوطه‌ای [۶]: این گونه فیلم می‌تواند کمک بزرگی در درک تصویری از محوطه‌های باستان‌شناسی باشد و تحقیقات باستان‌شناسی را در عمل منعکس سازد. چنین چیزی هیچ‌گاه با نوشته‌های هر گزارش محوطه باستان‌شناسی درخور مقایسه نیست.
- ۳- فیلم‌های مستند باستان‌شناختی عمومی درباره مناطق یا تمدن‌های خاص: از دهه ۱۹۵۰ بدین‌سو فیلم‌های عمومی درباره مناطق و تمدن‌های خاص، بیش از دیگر انواع فیلم‌های باستان‌شناسی تولید شده‌اند. بسیاری از بهترین فیلم‌های عمومی موجود را در زمان حاضر، تلویزیون‌ها تولید می‌کنند. فعالیت مشترک این فیلم‌ها، مصاحبه با باستان‌شناسان و استفاده از دیدگاه‌های آنان به عنوان بخشی از روایت و توصیف‌های فیلم است. این تکنیک مستند سازی تلویزیونی نقشی بسیار مؤثر در طرح موضوعات باستان‌شناسی در عرصه زندگی روزمره و

انتقال شور و شوق یافته‌ها و فعالیت‌های پژوهشی باستان‌شناسان به دانشجویان دارد (وایت بیل و هلی، ۱۹۷۵).

۴- فیلم‌های مستند باستان‌شناسی مسئله‌محور: از انواع فیلم‌های باستان‌شناسی مناسب برای نمایش عمومی درسینما یا پخش تلویزیونی است. برای نمونه می‌توان به این فیلم‌ها اشاره کرد: «گشودن رمز استون هنج» [۷] و «چه کسی امریکا را کشف کرد؟» [۸]. این فیلم‌ها ظرفیت گسترده‌ای برای گردآوری دیدگاه‌های گوناگون کارشناسان در مورد موضوعی معین دارند. فیلم‌های مذکور نظریه‌های جدید و موضوع‌های پژوهشی خاص را در کانون توجه دانشجویان و مردم قرار می‌دهند. با این حال، تاکنون فیلم‌های مسئله‌محور معدودی ساخته شده است. یکی از دلایل کمبود این فیلم‌ها، بالا بودن هزینه تولید آنها در قیاس با دیگر فیلم‌های باستان‌شناختی است. دلیل دیگر این است که این فیلم‌ها مشکلات فعلی را بررسی و دیدگاه‌هایی را درباره آنها ارائه می‌کنند که همین امر باعث می‌شود فیلم به سرعت از رده خارج شود (وایت بیل و هلی، ۱۹۷۵).

۵- فیلم‌های مستند باستان‌شناختی، به‌منظور بررسی و بازسازی صنایع‌دستی و فناوری‌های باستانی: این فیلم‌ها با حضور کارشناسان و گاه نیز با استفاده از جلوه‌های ویژه، نحوه ساخت اشیای باستان‌شناختی و آثار معماری باستانی را به تصویر می‌کشند (مانند فیلم شگفتی‌های تخت‌جمشید، ساخته هرمز امامی، که در آن به بررسی فناوری سنگ‌بری و انتقال سنگ‌های عظیم‌الجثه از معادن مختلف به تخت‌جمشید در زمان هخامنشیان می‌پردازد، یا فیلم ابوالهول که نحوه ساخته‌شدن مجسمه ابوالهول در آن بررسی می‌شود).

## شاخه دوم

با رویکرد به تقسیم‌بندی موضوعی، زیرگونه‌های فیلم مستند باستان‌شناسی را می‌توان بر اساس «هدف و کاربردشان»، این‌گونه نیز طبقه‌بندی و معرفی کرد (ضابطی‌جهرمی، ۱۳۸۷، ۲۹۵):

۱- مستندهای باستان‌شناسی کارآموزی یا آموزشی: به منظور آموزش یا با هدف ارتقای مهارت فنی و تخصصی باستان‌شناسان دانشجویان باستان‌شناسی ساخته می‌شوند.

۲- مستند باستان‌شناسی پژوهشی: این نوع مستند با هدف پاسخ به یک یا چند پرسش نظری که در فرضیه‌ای علمی مطرح است و اثبات آن می‌تواند به نتایج علمی در عرصه باستان‌شناسی بینجامد ساخته می‌شود.

۳- مستند معرف فرایندی باستان‌شناختی: هدف از این نوع مستند آشنا کردن مخاطب با فرایندی باستان‌شناختی همچون حفاری یا کشف اشیاء و فعالیت‌هایی از این دست است.

۴- مستندهای فرهنگی: این مستندها را مؤسسات یا نهادهای مربوط به باستان‌شناسی و میراث‌های ملی از طریق حمایت‌های مالی از سینمای مستند برای کسب تشخیص فرهنگی و یا نیل به اهداف فرهنگی (مثل ثبت جهانی آثار تاریخی) تولید می‌کنند. آنها در مواردی با دعوت یا با استخدام مستندسازان خلاق و مشهور، نه فقط به کسب بیشتر اعتبار یا افتخارات در زمینه فعالیت‌های فرهنگی دست می‌یابند بلکه از این طریق به بالندگی هنر مستندسازی یاری می‌رسانند و گاه نیز زمینه ساخت شاهکاری مستند را فراهم می‌آورند.

۵- مستند باستان‌شناختی تجربیدی - شکل‌گرا: در آن، زیبایی‌های شکلی و ذوقی آثار باستانی به نمایش درمی‌آید و یا به موضوعات علم باستان‌شناسی و دیگر موارد مربوط به آن به کمک تأثیرات زیبایی‌شناختی پرداخته می‌شود؛ و یا از طریق ابداع در شکل هنری فیلم، مفاهیمی تجربیدی

از محتوای یافته‌ها و آثار باستان‌شناسی استخراج می‌گردد (مانند «تپه‌های مارلیک» (۱۳۴۲) ساخته ابراهیم گلستان، «جام حسنلو» (۱۳۴۶) ساخته محمدرضا اصلانی، و «تپه‌های قیطریه» (۱۳۴۷) ساخته پرویز کیمیای).<sup>۶</sup>

۶- مستند کردن (ثبت تصویری): فعالیت‌ها و جمع‌آوری اسناد در مورد فعالیت‌های باستان‌شناسی، که در آن به نمایش تاریخچه، تحول و گسترش پروژه‌های باستان‌شناسی پرداخته می‌شود (مانند فیلم‌های خبری و گزارشی از یافته‌ها و حفاریات در سایت‌ها یا محوطه‌های مختلف، که در بیشتر گروه‌های باستان‌شناسی کشورها، راش‌های تدوین نشده آنها را می‌توان یافت (از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین این‌گونه فیلم‌ها می‌توان به فیلم‌های گروه دانشگاه شیکاگو، به سرپرستی ارنست هرتسفلد در سال ۱۳۱۲ش، در تخت‌جمشید اشاره کرد).

۷- مستندهایی که دربارهٔ با دیگر شاخه‌های باستان‌شناسی ساخته شده‌اند: مانند مرمت یا انتقال آثار و نیز نیز آزمایش‌ها و فعالیت موزه‌ها (مانند فیلم «معماری ایرانی: مرمت آثار تاریخی» (۱۳۶۲-۱۳۷۱) ساخته حمید سهیلی).

۸- مستند پرتره از باستان‌شناسان (بیوگرافیک): فیلم‌های مستندی هستند که درباره زندگی‌نامه و فعالیت‌ها و آثار باستان‌شناسان ساخته می‌شوند و در خلال آنها فعالیت‌های باستان‌شناسی نیز به نمایش درمی‌آیند (مانند فیلم‌های «پرنیان» (۱۳۸۰) ساخته ارد عطارپور، که درباره زندگی و فعالیت‌های حرفه‌ای دکتر احسان یغمایی باستان‌شناس و کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه حصار دامغان است؛ «خانه‌ام روی تپه‌هاست» (۱۳۸۳) ساخته شهرام درخشان، درباره زندگی و فعالیت‌های دکتر یوسف مجید زاده باستان‌شناس و کاوش‌های باستان‌شناسی او در جیرفت؛ «تا انتهای تیره بهار» (۱۳۸۳) ساخته محمد مقدم، که مروری بر زندگی و فعالیت‌های سیف‌الله کامبخش‌فرد باستان‌شناس؛ و «زبان عیلامی و من» (۱۳۸۴) ساخته ارد زند درباره زندگی و فعالیت‌های عبدالمجید ارفعی متخصص زبان عیلامی باستان و حضور او در کاوش‌های باستان‌شناسی شوش).

### فواید استفاده از فیلم‌های مستند باستان‌شناختی

- فیلم‌های مستند باستان‌شناختی نقش مهمی را در تحقیقات و پژوهش‌های باستان‌شناختی ایفا می‌کنند. آنها در انتشار داده‌ها و انعکاس نظریه‌های جدید در مورد باستان‌شناسی و معرفی یافته‌ها و دستاوردهای‌شان نیز نقش مهمی دارند.
- مزیت اساسی فیلم بر دیگر اشکال رسانه‌ای و ارتباطی در انتقال اطلاعات باستان‌شناسی همچون سخنرانی با نمایش اسلاید، جزوه و کتاب، زیرنویس عکس‌ها، طرح‌ها و نقاشی‌ها، دارا بودن عامل مهم و مؤثر حرکت است. این مزیت چه‌بسا در قیاس با مصنوعات بی‌حرکت، اشیای ساکن، معماری و نظایر آنها که ماهیتی ایستا دارند، چندان آشکار و بدیهی نباشد. با این حال توانایی فیلم برای ضبط وقایع زنده، پدیده‌های متحرک، فعالیت‌های انسانی و به طور کلی زندگی و طبیعت از جنبه‌های با ارزش فیلم‌های مستند و مشخصاً مستند باستان‌شناختی است.
- معرفی و نمایش روش‌های باستان‌شناسی و تکنیک‌های آزمایشگاهی و نیز آزمایش یا بررسی دوباره فرایندهای رویدادی خاص و بازسازی آن.
- در فیلم می‌توان وقایع را با حرکت کند یا تند به نمایش گذاشت و یا پدیده‌هایی را نشان داد که با چشم غیرمسلح و یا با عکس نمی‌توان دید. همچنین می‌توان از فیلمبرداری با وقفه‌زمانی

(time lapse) (فیلم برداری تک فریم) در محوطه‌های باستان‌شناختی به عنوان ابزاری برای نمایش فشرده روزها یا هفته‌ها فعالیت حفاری در فیلمی چند دقیقه‌ای استفاده کرد.

- استفاده از تکنیک‌های مختلف سینمایی مانند پن - یا حرکت افقی دوربین - و استفاده بجا از زوم به منظور ایجاد تداوم و روابط متقابل ساختارهای مختلف در محوطه‌ای باستانی و تنظیمات عمومی حرکات باستان‌شناسان و کاوشگران - میزانسن - در محوطه، و فیلمبرداری هوایی برای نشان دادن ارتباط محوطه و موقعیت آن در فضای اطراف و طبیعت پیرامون، می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

- انیمیشن یکی از تکنیک‌های مورد استفاده در فیلم‌های باستان‌شناسی برای انتقال سریع و راحت اطلاعاتی است که اگر به صورت دیگری نمایش داده شوند، بیننده در فهم آن با مشکل مواجه می‌شود. حرکت درونی فیلم: حرکت درونی در فیلم از طریق نمابندی دقیق، تعیین زوایای دوربین و ریتم تدوین ایجاد می‌شود. برای مثال، در فیلمی باستان‌شناختی که معنای فیلم به طور کامل از طریق «حرکت درونی» بیان می‌شود، این نوع حرکت برای نشان دادن تأثیر روان‌شناختی خاص (تعلیق) و وادار کردن بیننده به حدس زدن هویت محوطه و ساکنان آن به کار می‌رود. این بدان معناست که فیلم رشته اتفاقاتی را به بیننده نشان می‌دهد و او را در حالت تعلیق یا انتظار نگه می‌دارد تا بتواند موضوع، فضا و پایان فیلم را حدس بزند.

- بزرگ‌ترین ارزش فیلم‌های باستان‌شناختی چه‌بسا در این باشد که اینها علاوه بر توانایی آموزشی، منبع الهام نیز هستند. فیلم می‌تواند باستان‌شناس را در محل کارش نشان دهد و یا شخصاً رهبری بیننده را همچون راهنما در بازدید از محوطه‌های باستانی بر عهده بگیرد.

### پیشینه سینمای مستند باستان‌شناختی در جهان [۹]

ساخت فیلم‌های باستان‌شناختی از اواخر دوره سینمای صامت آغاز شد. دو فیلم صامت مستند (۱۹۳۱ و ۱۹۳۲-۳۳) درباره دنیای باستان، در موزه فیلم «پی بادی» در دانشگاه هاروارد وجود دارند که حفاری‌های «دوروتی گروود» [۱۰] باستان‌شناس انگلیسی را در کوه معروف «کرمل» [۱۱] در فلسطین نشان می‌دهند و شامل صحنه‌هایی مربوط به کشف اسکلت کودک نئاندرتال در غار بچه‌ها در تاریخ ۲۶ مارس سال ۱۹۳۱ است، و صحنه‌هایی طولانی که مراحل جمع‌آوری بقایای اسکلت انسان و بسته‌بندی آن را در جعبه نشان می‌دهد. احتمالاً فیلم‌های صامت زیادی از این نوع سفرهای باستان‌شناسی در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ وجود دارند اما بسیاری از آنها در آرشیو موزه‌ها یا مجموعه‌های شخصی باقی مانده و هرگز به نمایش عمومی درنیامده‌اند، یا برای تدوین آنها تلاشی صورت نگرفته و موسیقی متن و زیرنویس برای‌شان تهیه نشده است. اکنون تنها صحنه‌هایی از فیلم‌های اولیه باستان‌شناختی در دسترس‌اند که در فیلم‌های جدید گنجانده شده باشند.

در سال ۱۹۳۷، فیلم «پل رنگین‌کمان دره یادبود» [۱۲] درباره کاوش‌های صحرای یوتا و آریزونا در امتداد حوضه رودخانه کلرادو، به کارگردانی «انسل‌هال» و فیلمبرداری «ری گارنر» [۱۳]، تولید شد.

تجهیزات پیشرفته فنی فیلم‌سازی و تولید و پخش فیلم در آن روزها در انحصار هالیوود بود. در هیئت‌های اعزامی باستان‌شناسی به دوربین‌های فیلمبرداری به عنوان اسباب بازی‌های گران‌قیمت و یا اشیای تازه‌ای نگریسته می‌شد که امکان خرید و تهیه آنها برای همه جود نداشت.

گرایش کلی فیلم‌های باستان‌شناختی این دوره ضبط گسترده انواع صحنه‌های زندگی حفاران، بدون هیچ‌گونه برنامه‌ریزی و نقشه قبلی بود و هدف صرفاً در نمایش چگونگی حفاری و زندگی کارگران خلاصه می‌شد - مانند فیلم‌های سفر هیئت اعزامی به عراق در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹. شرکت تنسی ولی آتوریتی [۱۴] در سال ۱۹۳۷ فیلم «تپه‌های شل» [۱۵] را تولید کرد که از نخستین فیلم‌های باستان‌شناختی و نیز از اولین فیلم‌هایی بود که موسیقی متن داشت. در سال ۱۹۳۸ آرتور باگز [۱۶] فیلم مستندی درباره سفالگر مشهور ماریا مارتینز با نام «ماریای سفالگر» ساخت، که فیلم‌برداری و شیوه تدوین آن بسیار ساده بود، اما جزئیات روند ساخت سفال از ابتدا تا انتها با دقت ضبط شده بودند. این مستند، تصویری است ارزشمند از فردی سفالگر در حال کار به روش سنتی. دو اثر مذکور، نقاط عطفی در استفاده از امکانات فیلم در باستان‌شناسی به‌شمار می‌آیند. در این دهه فیلم‌های باستان‌شناختی دیگر پدیده‌ای نوظهور نیست و این فیلم‌ها به ابزار بسیار مؤثری برای انتقال اطلاعات به عموم مردم و باستان‌شناسان دیگر تبدیل شده‌اند و ظرفیت‌ها و مزایای خاص خود را به‌عنوان نوعی رسانه، پیدا کرده‌اند.

تا دهه ۱۹۴۰، تولید فیلم‌های باستان‌شناختی همچنان ادامه داشت. یکی از درخور توجه‌ترین ویژگی‌های دوره دوم فیلم‌سازی باستان‌شناختی، که تا اوایل دهه ۱۹۶۰ دوام یافت، نقش جنبی بارز باستان‌شناسان بود. این ابتکار برای تولید فیلم‌های باستان‌شناختی را به طور کامل شرکت‌های بزرگ آموزشی مانند «فیلم‌های آموزشی کورنت» و «دائرة المعارف بریتانیکا» و فیلم‌سازان حرفه‌ای علاقه‌مند به باستان‌شناسی، دنبال کردند. باستان‌شناسان به عنوان مشاور در نوشتن فیلم‌نامه‌ها به همکاری پرداختند اما به‌ندرت در فیلم‌برداری و تدوین فیلم نقشی فعال بر عهده داشتند. در نتیجه، معمولاً بخش تصویری این فیلم‌ها بسیار تاثیرگذار است، در حالی که فیلم‌نامه ضعیفی دارند و نمی‌توانند نقش آموزشی را به‌خوبی ایفا کنند.

در سال ۱۹۵۵، مؤسسه باستان‌شناسی آمریکا با تشکیل کمیته فیلم و تلویزیون نخستین گام را برای به دست گرفتن ابتکار عمل و مسئولیت، در ساخت فیلم‌های باستان‌شناختی تحت نظارت مستقیم باستان‌شناسان برداشت. اوایل دهه ۱۹۶۰ ساخت مستندهای دقیق در پروژه‌های حفاری خاص، باعث همکاری نزدیک باستان‌شناسان با تدوین‌گران و انیماتورهای فیلم شد و حتی تعدادی از باستان‌شناسان، خود به ساخت فیلم‌هایشان پرداختند.

از دیگر پیشرفت‌های جدید دهه ۱۹۶۰، گسترش استفاده از فیلم‌های آموزشی ۱۶ میلی‌متری بود، زیرا به‌کارگیری وسایل کمک آموزشی سمعی و بصری - به‌ویژه فیلم‌های آموزشی در قطع ۱۶ میلی‌متری - در کلاس‌های درس دبیرستان و دانشگاه‌ها رو به افزایش نهاد. کاربردهای آموزشی همراه با ظهور تکنیک‌های جدید حفاری، احساس نیاز بیشتر به فیلم‌های باستان‌شناختی را برانگیختند. دهه ۱۹۷۰ نیز با افزایش استفاده از فیلم‌هایی در زمینه فناوری ساخت ابزارهای باستانی، باستان‌شناسی قومی، باستان‌شناسی زیر آب، و تجزیه و تحلیل آزمایشگاهی همراه بود. با گسترش ویدیو - و پیش از آن با رواج فیلم سوپرهشت از اوایل دهه ۱۹۷۰ به این سو - فیلم به‌عنوان بخشی جدانشدنی از فرایند ثبت داده‌ها در محوطه‌های باستان‌شناسی - چه در زمین و چه در زیر آب - مورد استفاده قرار گرفت. در دهه گذشته، اهمیت این مقوله موجب ایجاد رشته دانشگاهی «باستان‌شناسی و رسانه‌های تصویری» در مقطع کارشناسی‌ارشد در برخی دانشگاه‌های اروپا و آمریکا گردید. این رشته مباحث نظری و عملی را برای رسیدن به درک بهتری از توسعه باستان‌شناسی در رسانه، درمی‌آمیزد. فعالیت‌های دانشجویان دپارتمان

باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و نمایش، دربرگیرنده موارد مرتبط با باستان‌شناسی در عرصه فیلم، تئاتر و تلویزیون است. این رشته در دانشکده باستان‌شناسی دانشگاه بریستول انگلستان از سال ۲۰۰۱ راه‌اندازی شده است.

### پیشینه سینمای مستند باستان‌شناختی در ایران

برای مطالعه و بررسی دقیق تاریخچه فیلم‌های باستان‌شناسی ایران، باید آن را به چند دوره کلی تقسیم کرد، که هر دوره خود دربرگیرنده ویژگی‌ها و جریان‌های گوناگونی است.

#### دوره نخست، «از ۱۲۹۷ش تا ۱۳۳۰ش»

ساخت فیلم‌های باستان‌شناختی از دهه ۱۳۱۰ش (۱۹۳۰م) در ایران آغاز می‌شود. از نخستین فیلم‌های باستان‌شناختی ساخته‌شده در ایران، فیلمی است از فعالیت‌های هیئت‌های باستان‌شناسی مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به ریاست ارنست هرتسفلد (۱۳۱۲ش) و چندی بعد اریک اشمیت (۱۳۱۶ش) در تخت‌جمشید، که امروزه در آرشیو فیلم بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد نگهداری می‌شود.

پس از دوران اشغال ایران به دست متفقین، امریکا با تأسیس اداره اطلاعات و روابط فرهنگی در سفارت خود، فعالیت‌های سینمایی‌اش را با مشارکت هالیوود، در ایران آغاز کرد. به همین منظور گروهی از هالیوود به تهران آمدند و با همکاری عنایت‌الله فمین و تحت نظارت استفان نایمن تهیه فیلم‌هایی را از بناهای تاریخی، صنایع دستی، قالبیافی، منبت‌کاری و کاشی‌سازی شروع کردند و به فیلم‌برداری از تخت‌جمشید، مسجد شاه اصفهان، عالی‌قاپو و اماکن متبرکه مشهد مقدس پرداختند. این فعالیت در واقع نخستین حرکت واقعی و جدی مستندسازی در سینمای مستند ایران تلقی می‌شود. این مجموعه مستند در امریکا مورد استقبال قرار گرفت (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۷۸). فیلمی که این گروه در دهه ۱۳۲۰ش از تخت‌جمشید ساخت نیز از نخستین فیلم‌های مستند باستان‌شناختی ساخته‌شده در ایران به شمار می‌آید.

#### دوره دوم، «از ۱۳۳۰ش تا ۱۳۵۷ش»

این دوره را می‌توان دوره نهادینه شدن سینمای مستند در ایران برشمرد. دوره مذکور با جریان‌هایی متفاوت در زمینه تولید فیلم مستند به طور اعم، و فیلم مستند باستان‌شناختی به طور

- گروه دانشگاه سیراکیوز.
- گروه دانشجویان تحصیل‌کرده در دانشگاه‌ها و مؤسسات فیلم‌سازی غرب که پس از بازگشت به ایران، یا خصوصی و یا با حمایت‌های وزارت فرهنگ و هنر و سازمان هنرهای زیبای کشور به ساخت فیلم‌های باستان‌شناختی پرداختند. از میان این دانشجویان فریدون رهنما و مصطفی فرزانه منشأ خدمات فراوانی به نسل پس از خود بوده‌اند.
- سازمان فیلم گلستان (به مدیریت ابراهیم گلستان).
- تلویزیون ملی ایران با گروه ایران‌زمین.

### • گروه دانشگاه سیراکیوز

در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ شمسی با ورود گروه دانشگاه سیراکیوز به ایران، ۵ فیلم تحقیقاتی در مورد ایران به آنها سفارش داده شد، که به‌وسیلهٔ جان. اچ همفری با همکاری اداره اطلاعات آمریکا و همچنین اداره کل باستان‌شناسی و دکتر محمدتقی مصطفوی از این اداره ساخته شدند (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۲، ۳۵). این مجموعه ۵ قسمتی به مجموعه سفرنگاری مشهور است (مهرابی، ۱۳۷۵، ۴۱۹) و فیلم‌ها عبارت‌اند از:

۱. شمال ایران؛
  ۲. ایران (ساختمان‌های تهران، قالی‌بافی، مشهد، اصفهان)؛
  ۳. از سرزمین ماد تا پایتخت صفویه (سنندج، همدان، کاشان، قم)؛
  ۴. از کنار کویر تا مهد شاهنشاهی هخامنشی (کرمان، یزد، شیراز، تخت‌جمشید)؛ و
  ۵. آبادان.
- در قسمت‌های سوم (۱۳۳۲) و چهارم (۱۳۳۰) این مجموعه به برخی از آثار تاریخی ایران و به‌ویژه تخت‌جمشید پرداخته شده است.

### • وزارت فرهنگ و هنر و گروه دانشجویان تحصیل‌کرده رشته سینما در غرب

فریدون رهنما در سال ۱۳۳۹ ش، فیلم مستند کوتاه تخت‌جمشید (۱۳۳۹) را ساخت، که سیاه و سفید، ۱۶ میلی‌متری و ۱۶:۳۰ دقیقه‌ای است. این فیلم محصول مؤسسه جام‌جم رهنما، و گفتار آن به زبان فرانسه است. فریدون رهنما فارغ‌التحصیل مؤسسه فیلم‌شناسی پاریس بود و این فیلم نشان‌دهندهٔ برخورد نامتعارف کارگردان با واقعیت تخت‌جمشید و اندیشه‌های وی درباره زندگی و هنر و تاریخ است، بی‌آنکه کارگردان خواسته باشد فیلمی تاریخی بسازد (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۸۶ و ۳۸۸). رهنما در این فیلم سعی کرد که به جای فیلمبرداری از عظمت و شکوه ظاهری تخت‌جمشید، به عمق انسانی و جریان زندگی و ویرانی آن بپردازد و همین خود لحن شاعرانه‌ای به فیلم داده است (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۸۹). «تخت‌جمشید» از نخستین آثار بخش خصوصی فیلم‌سازی ایران است که با یک نمایش در خارج از کشور (امریکا) به درآمدزایی رسید؛ و آن را می‌توان از قدیمی‌ترین نمونه‌های مستند تجربی-توصیفی در ایران برشمرد (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۵۳).

در سال ۱۳۴۰، مصطفی فرزانه، تحصیل‌کرده سینما از مدرسه فیلم ایدک فرانسه، به دعوت مهرداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر وقت، به ایران آمد و به سفارش شجاع‌الدین شفا (وزیر اطلاعات و انتشارات آن زمان) فیلم رنگی ۲۵ دقیقه‌ای «کوروش کبیر» (۱۳۴۰) را به تهیه‌کنندگی سازمان هنرهای زیبای کشور با همکاری اداره کل باستان‌شناسی، دبیرخانه جشن‌های دوهزار و پانصد ساله و ارتش ساخت (فیلمبردار آن برنار تزان، سازنده موسیقی متن میشل فیلیپو و نویسنده گفتار روژه لسکو است). این فیلم در بخش مسابقه جشنواره کن پذیرفته شد و برای نخستین بار در محل برگزاری جشنواره پرچم ایران به اهتزاز درآمد (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۸۴). فیلم «کوروش کبیر» به ۱۰ زبان خارجی دوبله شد و در اختیار نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور قرار گرفت و در موزه گیمه پاریس به نمایش درآمد. در این فیلم که تولید آن یک سال طول کشید، از آثار تاریخی پاسارگاد و تخت‌جمشید و همچنین نقش رستم و آثار موجود در موزه‌های برلین و بریتانیا فیلم‌برداری شد (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۵۳).

در اواسط سال ۱۳۳۵، مرکز سینمایی اداره کل هنرهای زیبای کشور تأسیس شد و

فارغ‌التحصیلان دوره‌های گروه سیراکیوز نخستین فیلم‌سازان این مرکز محسوب می‌شوند (امامی، ۱۳۸۵، ۴۵). ساخت نخستین فیلم‌های مرکز مذکور با نام‌های «قالی» و «تخت جمشید» به کارگردانی مهدی میرصمدزاده آغاز شد، لیکن به پایان نرسید.

در سال ۱۳۴۵ هوشنگ شفتی، دانش‌آموخته سینما از کلاس‌های گروه سیراکیوز و دانشگاه ایندیانا، آمریکا، فیلم تخت‌جمشید را ساخت و آن را با نام «ستون شکسته» به نمایش گذاشت (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۸۳). گفتار این فیلم بر اساس متن کتیبه‌های خامنشی تهیه شده است و ظهور و سقوط هخامنشیان و انهدام تخت‌جمشید به دست اسکندر با جلوه‌های ویژه مجسم می‌شود. «ستون شکسته» برنده جوایزی شد، همچون: پلاک نقره جشنواره فیلم‌های مستند سالرنو ایتالیا (۱۳۴۵)، دیپلم افتخار جشنواره فرانکفورت آلمان (۱۳۴۵)، و دیپلم افتخار جشنواره فیلم برلین (مهرابی، ۱۳۷۵، ۲۳۳).

از دیگر فیلم‌های باستان‌شناختی این دوره می‌توان به رستاخیز (۱۳۴۸) ساخته سهراب شهید ثالث، محصول وزارت فرهنگ و هنر، ۳۵ میلی‌متری، رنگی ۱۰ دقیقه، که فیلمی است درباره تعمیر آثار باستانی تخت‌جمشید، اشاره کرد (مهرابی، ۱۳۷۵، ۲۰۶).

#### • سازمان فیلم گلستان

ابراهیم گلستان، در سال ۱۳۴۲ ش، فیلم «تپه‌های مارلیک» را (رنگی، ۳۵ میلی‌متری، ۱۳:۵۴ دقیقه) در سازمان فیلم گلستان تولید کرد. موضوع این فیلم کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه مارلیک [۱۷] واقع در رودبار گیلان است. فیلم تپه‌های مارلیک برای گلستان فیلمی کاملاً شخصی است؛ نه گزارشی است از کشفیات باستان‌شناسی در مارلیک و نه مطالعه‌ای در تاریخ ایران بلکه بیانی معنوی است از آنچه به عقیده او در زندگی مهم است (امید، ۱۳۷۴، ۸۴۵). کلام گلستان در فیلم تپه‌های مارلیک شاعرانه است (امامی، ۱۳۸۹، ۹۵). این فیلم توانست در جشنواره فیلم ونیز (۱۳۴۳)، برنده جایزه اول و همچنین برنده لوح شیر سان مارکو شود (مهرابی، ۱۳۷۵، ۱۱۷).

#### • تلویزیون ملی ایران با گروه ایران‌زمین

در تاریخ چهارم آبان ۱۳۴۵، تلویزیون ملی ایران رسماً آغاز به کار کرد. اشاعه فرهنگ و توسعه برنامه‌های فرهنگی و پژوهشی، گسترش تلویزیون در شهرستان‌ها، ایجاد ضابطه برای ماهیت و محتوای تبلیغاتی، حمایت از هنرهای سنتی و دیگر فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی، از جمله مأموریت‌هایی بود که تلویزیون ملی ایران در دستور کار خود داشت. از اقدامات اساسی تلویزیون در کار تولید برنامه، توجه به منابع داخلی و فرهنگ ملی بود. ساختن فیلم‌های مستند از گوشه و کنار ایران، آداب و رسوم مردم این سرزمین، سنت‌ها، فلکلور و دیگر ویژگی‌های فرهنگی اقوام ایرانی از وظایف این سازمان بود (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۹۴).

در سال ۱۳۴۵ فریدون رهنما برای پی‌ریزی سینمای اصیل وارد تلویزیون شد. وی به ایران عشق می‌ورزید و به همین خاطر بخشی را با عنوان «ایران‌زمین» در تلویزیون راه‌اندازی کرد تا با کمک جوانان آموزش‌دیده، ایران را آن‌طور که شایسته نامش بود بر نوار تصویر به ایرانیان ارائه کند (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۹۴). این برنامه از آغاز پژوهنده‌شگفتی‌ها، سنت‌ها، زیبایی‌ها و خصوصیات سرزمین ایران بود، و با یاری معتبرترین استادان تاریخ، جغرافیا، باستان‌شناسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی [از جمله مرحوم استاد دکتر بهرام فره‌وشی] توانست

در راه معرفی ایران زمین گام‌های مؤثری بردارد. گردانندگان این برنامه در نمایش آثار تاریخی و باستانی ایران، معرفی سینمای صاحبان علم و هنر و اندیشه در ایران، آداب و سنن زندگی در نقاط مختلف کشور، بررسی تاریخ و تمدن و فرهنگ این سرزمین، فلسفه، عرفان، ادبیات، زبان‌شناسی، کتاب‌شناسی، جامعه‌شناسی، صنایع دستی، فلکور، پوشاک، آرایش، نقاشی، موسیقی، آداب هنری، مذهبی، اجتماعی و اساطیر ایران بسیار موفق بوده‌اند و در کنار برنامه‌سازی توانسته‌اند از برنامه‌ها، یک آرشیو فیلم و یک آرشیو عکس ایجاد کنند (سازگار، ۱۳۵۶، ۷۴). در واحد پژوهش ایران زمین، طرح تولید ۵۲ فیلم مستند در سال پیشنهاد شد. پنج گروه از مستندسازان به سرپرستی ناصر تقوایی، عسکر شجاعان، منوچهر عسکری‌نسب، پرویز کیمیای و نصیب نصیبی، روانه گوشه و کنار مملکت شدند تا به ثبت زندگی و فرهنگ مردم بپردازند و حاصل کار، آثار متنوعی بود (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۹۷).

مهم‌ترین آثاری که در زمینه باستان‌شناسی در این دوره در تلویزیون ساخته شدند، عبارت‌اند از: جام حسینلو (۱۳۴۶) ساخته محمدرضا اصلانی، تخت سلیمان (۱۳۴۷) ساخته منوچهر عسکری‌نسب، هفت تپه (۱۳۴۸) و معبد آناهیتا (۱۳۴۹) از ساخته‌های ایرج حائری، تپه‌های قیطریه (۱۳۴۸) اثر پرویز کیمیای تهیه شده با همکاری اداره کل باستان‌شناسی و گزارش حفاری معبد آناهیتا (۱۳۴۹) به کارگردانی نصیب نصیبی (مهرابی، ۱۳۷۵).

پرویز کیمیای فارغ‌التحصیل مؤسسه فیلم‌سازی وژیرار و ایدک فرانسه در سال ۱۳۴۸ به تلویزیون ملی ایران پیوست و مستند «تپه‌های قیطریه» (۱۳۴۸) را ساخت (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۱۰۱). کیمیای در این فیلم علاوه بر عملیات حفاری در تپه‌های قیطریه تهران و خارج کردن بقایای سه هزار ساله از دل خاک به وسیله باستان‌شناسان، تصورات ذهنی خود را نیز ارائه می‌کند (دهقانپور، ۱۳۸۲، ۳۹۱). در این فیلم باستان‌شناس برجسته مرحوم سیف‌الله کامبخش فرد به عنوان مشاور با کیمیای همکاری کرده است. گزارش حفاری‌های علمی معبد آناهیتا (۱۳۴۹) ساخته نصیب نصیبی (تولید تلویزیون ملی ایران، ۱۶ میلی‌متری، سیاه و سفید، ۳۱ دقیقه است. رئیس گروه حفاری معبد آناهیتا، سیف‌الله کامبخش فرد که کارش را عاشقانه دوست دارد و هم علاقه‌مند به سینماست، درباره سابقه تاریخی معبد و همچنین چگونگی حفاری آن توضیحاتی می‌دهد. در میان این توضیحات، می‌توان دید که به هنگام ویران شدن معبد، الهه آناهیتا آنجا را ترک می‌کند (مهرابی، ۱۳۷۵، ۳۲۸).

در سال ۱۳۵۳ با بودجه وزارت فرهنگ و هنر گروهی از پژوهشگران دانشگاه آکسفورد به سرپرستی کلایو اروین و به همراهی دیوید فراست فیلم «چهار راه تمدن» را به کارگردانی «آنتونی مایر» ساختند. یک گردان از سربازان گارد جاویدان به‌عنوان سربازان تاریخ ایران باستان در اختیار این گروه قرار گرفت و دیوید استروناخ شرق‌شناس معروف نیز از اعضای گروه پژوهش آن بود.

فیلم «باد صبا» به کارگردانی آلبرت لاموریس در حد ۱۰ دقیقه به سراغ هخامنشیان رفت و تخت جمشید را از آسمان نشان داد. در فیلم تمدن ایران (۱۳۵۴) ساخته هوشنگ آزادی‌ور (۱۶ میلی‌متری، به مدت ۳۵ دقیقه)، آندره مالرو موافقت کرد که در موزه لوور در بخش تمدن ایران حضور یابد و درباره فرهنگ و تمدن ایران سخن بگوید. از این حضور و سخنان او فیلم مستندی ساخته شد که گوینده گفتار آن آندره مالرو است (مهرابی، ۱۳۷۵، ۳۰).

در دهه ۱۳۵۰، گروه دانشگاه میشیگان در ایران به تولید فیلم فرهنگی پرداخت. این کار جزو

قرارداد ۲۵۰ هزار دلاری رادیو و تلویزیون ملی ایران و دانشگاه ایالتی میشیگان برای ساختن تعدادی فیلم بود. ایرج حائری و علی هجرت با گروه دانشگاه میشیگان همکاری داشتند. منوچهر عسگری‌نسب پس از پیروزی انقلاب، این فیلم‌ها را تدوین‌نشده به ایران بازگرداند (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۱۲۴).

مجموعه مستند ایران باستان (۱۳۵۵) ساخته محمدعلی ایثاری، محصول سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران با مشارکت دانشگاه میشیگان (در قطع ۱۶ میلی‌متری، رنگی و به مدت ۴۷ دقیقه) است. این مجموعه فیلم از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت اول با عنوان «آغاز کوشش‌های انسان تا شهرنشینی عیلامی»، دربرگیرنده دوره‌های مختلف تاریخ عیلامی - از جمع‌آوری آذوقه تا تولید آذوقه و مراحل مختلف شهرنشینی - است. قسمت دوم با نام «زندگی در فلات ایران» از ۳۰۰ ق م تا ۸۰۰ ق م را دربرمی‌گیرد و عمدتاً به ورود اقوام هندوآریایی به فلات ایران می‌پردازد. قسمت سوم با عنوان «اولین امپراتوری جهان» دربرگیرنده سال‌های ۸۰۰ ق م تا ۵۳۰ ق م است و به شکل‌گیری شاهنشاهی ایران به دست کوروش می‌رسد (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۸، ۶۴ و ۶۵).

#### دوره سوم، «از ۱۳۵۷ ش تا ۱۳۷۰ ش»

دوربین‌های مستندسازان هنوز در حال ثبت وقایع انقلاب بود که با شروع جنگ ایران و عراق، همراه با قلم‌های بسیاری جبهه‌ها را نشانه رفتند و فیلم‌های فراوانی در این زمینه ساخته شدند (امامی، ۱۳۸۹، ۱۶ و ۱۷). در این شرایط فیلم‌های مستند باستان‌شناسی در سایه مسائل انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق به حاشیه رفتند و به‌جز مواردی معدود در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۰، آثار درخور تأملی تولید نشدند.

از چهره‌های تأثیرگذار در ساخت فیلم‌های باستان‌شناسی این دوره حمید سهیلی مظهر است. وی با این اعتقاد که این‌گونه فیلم‌های مستند وظیفه دارند به گذشته تاریخی ایران بپردازند، مجموعه ۱۲ قسمتی «به سوی سیمرغ» را در سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲ با همکاری آیدین آغداشلو درباره نقاشی ایران ساخت، و همچنین مجموعه مستند «معماری ایرانی» را (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۱۵۱). تولید مجموعه معماری ایرانی (محصول شبکه اول سیما، گروه فرهنگ و ادب و هنر، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی حمید سهیلی، ۱۶ میلی‌متری، در ۳۳ قسمت، مجموعاً ۱۳۷۱ دقیقه) از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ به طول انجامید. مشاوران علمی این مجموعه استادان کریم پیرنیا، دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، علی‌اکبر سرافراز، دکتر یعقوب دانش‌دوست، دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، سیف‌الله کامبخش، آیدین آغداشلو، دکتر یوسف کیانی، دکتر مهرداد بهار، استاد کریم امامی، مهندس محمد مهریار و مهندس احمد روستا بودند. سه قسمت از این مجموعه به شکل ویژه با دیدگاه باستان‌شناسی ساخته شدند: «دوران ماد و هخامنشی»، «دوران سلوکی و اشکانی»، و «دوران ساسانی» (مهرابی، ۱۳۷۵، ۳۶۴).

از دیگر آثار این دوره، یادگارهای سیستان (۱۳۶۷-۶۸) ساخته محمد تهامی‌نژاد است (به مدت ۱۰۰ دقیقه، تولید سیمای مرکز زاهدان). یادگارهای سیستان، نخستین اثر مستند در مورد مجموعه‌های باستانی سیستان است که در آن ضمن نمایش یادگارهای فرهنگی، به بررسی زندگی حول محور آب در سیستان پرداخته می‌شود. این فیلم دنباله تحقیق مفصلی در مورد آثار باستانی و تاریخی و زندگی در سیستان است که در آن به شهر سوخته (از مهم‌ترین مراکز صدور سفال در آسیا)، کوه خواجه، آتشکده کرکوی، تپه غلامان، زاهدان کهنه و دیگر آثار باستانی منطقه

پرداخته شده است (مهرابی، ۱۳۷۵، ۴۰۸).

### دوره چهارم، «از ۱۳۷۰ش تا ۱۳۸۰ش»

فیلم‌های مستند باستان‌شناختی دهه ۱۳۷۰ تلویزیون غالباً به صورت مجموعه‌های چندقسمتی و طی چندین سال تولید شدند؛ از این دست‌اند مجموعه‌هایی چون: مجموعه مستند میراث فرهنگی (۱۳۷۵-۱۳۷۸ش) تولیدشده در گروه فرهنگ و دانش شبکه ۱ سیما، و مجموعه مستند نشانه‌های خاک (۱۳۷۸-۱۳۸۲) تولیدشده در گروه فرهنگ و تاریخ و هنر شبکه یک سیما.

در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸ رضا فولادی و کامبیز مقیم‌خاوری (تهیه‌کنندگان تلویزیون) و ارد زنده و محسن عبدالوهاب (کارگردان‌های تلویزیون) یازده فیلم ۱۶ میلی‌متری درباره میراث فرهنگی ساختند (تهامی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۱۹۹). از این میان هشت فیلم به کارگردانی ارد زنده و سه اثر به کارگردانی محسن عبدالوهاب ساخته شدند. برخی از این فیلم‌ها عبارت‌اند از: کاوش‌های باستانی در زیویه و کنگاور (۱۳۷۳)، همدان (۱۳۷۳)، خوزستان (۱۳۷۸)، گنجینه و قشم (از ساخته‌های ارد زنده) و لاج مزار (۱۳۷۳، ساخته محسن عبدالوهاب).

مجموعه مستند نشانه‌های خاک (۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲) مجموعه‌ای ۱۳ قسمتی است که در گروه فرهنگ و تاریخ و هنر شبکه یک سیما تولید شد و به مکان‌های باستانی و محوطه‌های باستان‌شناسی ایران می‌پرداخت. کارگردان این مجموعه محمد مقدم و تهیه‌کننده آن مجید رضوانی‌خوزانی است.

### دوره پنجم، «از ۱۳۸۰ش تا ۱۳۹۰ش»

نیمه اول دهه ۱۳۸۰ را می‌توان دوره باز شکوفایی سینمای مستند باستان‌شناختی ایران دانست. تغییرات عمده در نحوه ساخت فیلم و ورود تجهیزات فیلم‌سازی دیجیتال به عرصه سینما و تلویزیون و همچنین ظهور چند جریان به گسترش و پیشرفت فیلم‌های باستان‌شناختی ایران بسیار کمک کرد. جریان‌هایی که در این دوره تأثیری جدی در این پیشرفت داشتند، عبارت‌اند از: تلویزیون و گروه مستندسازی شبکه چهار سیما، فعالیت گسترده بخش خصوصی و فعالیت‌های مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

### • تلویزیون و گروه مستندسازی شبکه چهار سیما

تخصیص شبکه‌ای تلویزیونی -یعنی شبکه چهار- به شبکه ویژه مستند، موجب شد که به صورت پراکنده مجموعه‌های مستند ارزشمندی تولید شوند (امامی، ۱۳۸۹، ۲۲). از جمله آثار و مجموعه‌های مستند باستان‌شناسی در شبکه چهار سیما می‌توان به اینها اشاره کرد:

مجموعه مستند «زمین پناه من است» و مجموعه «نفس‌های بلند زمین» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی‌اکبر ولدبیگی و مجموعه مستند «گنج‌های پنهان» به تهیه‌کنندگی ارد عطارپور. در مجموعه «زمین پناه من است» (۱۳۷۹-۱۳۸۱) که ۱۳ قسمت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه‌ای تهیه شد، چند قسمت به تمدن فلات ایران در دوره باستان اختصاص یافت، در سه قسمت به «تمدن استخر»، و در یک قسمت با عنوان «گیسوی پریشان سنگ» به پاسارگاد پرداخته شد و قسمت‌های دیگر به «کاخ سروستان» و «طاق بستان» در کرمانشاه اختصاص پیدا کرد. در قسمت مربوط به طاق بستان با نام «نقش واپسین»، بر دو صحنه «شکار گوزن و گراز» تمرکز شده است.

«مجموعه گنج‌های پنهان» (۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶) را ارد عطارپور در ۱۳ قسمت تهیه کرد، که در گروه مستند شبکه چهار سیما تهیه شد و به باستان‌شناسی و باستان‌شناسان اختصاص یافت. برخی

از قسمت‌های این مجموعه عبارت‌اند از: خانه‌ام روی تپه‌هاست (۱۳۸۳) ساخته شهرام درخشان، درباره دکتر یوسف مجیدزاده باستان‌شناس و کاوش‌های باستان‌شناسی او در جیرفت؛ تا انتهای تیره بهار (۱۳۸۳) ساخته محمد مقدم، مروری بر زندگی و فعالیت‌های سیف‌الله کامبخش‌فرد باستان‌شناس؛ زبان عیلامی و من (۱۳۸۴) ساخته ارد زنده‌دیده درباره دکتر عبدالمجید ارفعی متخصص زبان عیلامی باستان و حضور وی در کاوش‌های باستان‌شناسی شوش؛ منم داریوش (۱۳۸۳) ساخته وحید باقرزاده، درباره مجسمه داریوش هخامنشی موجود در موزه ملی ایران و بررسی نحوه کشف آن با حضور کارشناسان؛ غرقاب (۱۳۸۳) به کارگردانی پیروز کلانتری درباره تخت‌سلیمان و کاوش‌های باستان‌شناسی در آن؛ و نبشته بر گل (۱۳۸۶) ساخته ارد زنده‌دیده، درباره لوحه‌های گلی به دست آمده از تخت‌جمشید و سرنوشت آنها.

### • بخش خصوصی

در دهه ۱۳۸۰ش، بخش خصوصی فعالیت‌های گسترده‌ای را در زمینه تولید فیلم‌های باستان‌شناسی آغاز کرد. برخی از فیلم‌های مستند باستان‌شناسی تولید شده در این بخش عبارت‌اند از: شگفتی‌های تخت‌جمشید (۱۳۹۰-۱۳۸۱)، به کارگردانی و تهیه‌کنندگی هرمز امامی و با نظارت محمدحسن طالبیان، مجموعه‌ای پنج‌قسمتی به مدت ۲۲۰ دقیقه، که مراحل پژوهش و تولید آن ۹ سال به طول انجامید؛ شکوه تخت‌جمشید (۱۳۸۳) ساخته فرزین رضائیان؛ مجموعه آثار میراث فرهنگی (۱۳۸۳) به کارگردانی مهرداد زاهدیان و تهیه‌کنندگی شرکت تصویر فردای سبز؛ و اقلیم پارس (۱۳۸۵) به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مسعود نقاش‌زاده.

### • مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی

با گشایش مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در دهه ۱۳۸۰ فیلم‌های متعددی در زمینه باستان‌شناسی و ایران‌شناسی در آن مرکز ساخته شدند. از جمله تولیدات مستند مطرح مرکز در زمینه فیلم‌های مستند باستان‌شناسی می‌توان به این فیلم‌های اینانا (۱۳۸۰) به کارگردانی سودابه مجاوری و کول فره (۱۳۸۹) ساخته مهوش شیخ‌الاسلامی اشاره کرد. در سال‌های آغازین دهه ۱۳۸۰، برگزاری جشنواره‌هایی مانند جشنواره فیلم یادگار (در سه دوره)، جشنواره فیلم رشد و جشنواره فیلم ایران‌زمین، با ایجاد فضایی مناسب در مستندسازی، موجب ترغیب مستندسازان ایرانی به ساخت فیلم درباره میراث فرهنگی، باستان‌شناسی، و آیین‌ها و سنن ملی و بومی شد.

### نتیجه‌گیری

نتایج مربوط به بررسی تعداد زیادی از فیلم‌های مستندی که در کشور ما با موضوع مطالعات باستان‌شناسی از دهه ۱۳۳۰ تاکنون ساخته شده‌اند، دربردارنده نکاتی است که در ادامه شرح داده می‌شوند.

۱. گروهی از این آثار انطباق آشکار و مشخصی با اهداف علم باستان‌شناسی و روش‌های آن ندارند بلکه عمدتاً از جنبه‌های زیبایی‌ظاهری و شکلی و یا روایت‌ها و تعبیر شاعرانه و اسطوره‌ای از دوره تاریخی خاصی از ادوار باستان مورد توجه و تمجید مستندسازان قرار گرفته‌اند، نه از جنبه تحلیلی به منظور ارائه اطلاعات و شناخت ایران در آن دوره‌ها (از این

دست‌اند: «تخت جمشید»، «ستون شکسته»، «جام حسنلو» و «تپه‌های مارلیک».

۲. آن دسته از مستندهایی که ظاهراً با پژوهش‌های باستان‌شناختی همراه بوده‌اند، فاقد اعتبار علمی و تأیید کارشناسان باستان‌شناسی بودند، به‌گونه‌ای که گاه صحت آنها جای تردید و تشکیک داشت. گاه نیز از دیدگاه متخصصان این علم، دربردارنده پژوهش غیرتحلیلی و فاقد تبیین بودند و عمدتاً حال و هوایی توصیفی یا گزارشی داشتند (نمونه‌ها: «شکوه تخت جمشید» و قسمت‌های «اریسمان» و «کال جنی» از مجموعه مستند «از زبان خاک») [۱۸]. همان‌طور که فیلم مستند مردم‌شناسی نمی‌تواند بدون مشارکت مردم‌شناسان و یا بدون استفاده از روش‌های مورد تأیید و شیوه‌های تثبیت‌شده در علم مردم‌شناسی ساخته شود، مسلماً در فیلم‌های باستان‌شناسی نیز باید از این اصل پیروی شود.

۳. در گروهی از فیلم‌های مستند باستان‌شناسی ایران که در دو دهه اخیر تولید شده‌اند، به جای استفاده از روش مطالعه موضوعات علم باستان‌شناسی، به‌ویژه موضوعات مربوط به شناخت تحلیلی آثار و ویژگی‌های تمدن دوره‌ای معین، مستقیماً از نظر کارشناسان استفاده شده و گفته‌های آنها در قالب مصاحبه تصویری در فیلم‌ها - غالباً در فضایی منتزاع از فضای موضوع مورد مطالعه - به کار رفته است. در این فیلم‌ها معلوم نمی‌شود که آن کارشناسان یا متخصصان خود تا چه اندازه عملاً درگیر مطالعه و بررسی یا آزمایش و کاوش، نمونه‌برداری، اکتشاف، تحلیل و یا ارائه نظریه‌ای جامع بوده‌اند (حتی در یک فیلم هم برای نمونه به مخاطب توضیح داده نمی‌شود که باستان‌شناسی و کاوش در آثار و زندگی گذشتگان، چه فایده یا اهمیتی برای انسان امروزی دارد)، یا مشخص نمی‌شود که به‌طور کلی باستان‌شناسی برای اهداف عمومی و جامع ایران‌شناسی چه حیطه‌هایی از شناخت گذشته باستانی ایران را پوشش می‌دهد. این در حالی است که تصور عمومی بسیاری از مستندسازان - همان‌گونه که در فیلم‌های شان دیده می‌شود - بر آن است که باستان‌شناسی و گرایش به شناخت تاریخی ایران، تمامی حقایق و حوزه‌های ایران‌شناسی باستان‌شناسی را دربرمی‌گیرد.

آنچه در بسیاری از فیلم‌های مطرح باستان‌شناسی ایران به چشم می‌خورد، نوستالژی و اندوه یا حسرت از دست رفتن گذشته‌ای باشکوه و غم دوره درخشان سپری‌شده‌ای است که تکرار نخواهد شد. درواقع عاطفه یا حس شخصی مستندساز غالباً مانع یا جایگزین تبیین علمی موضوع مورد مطالعه می‌شود و گاه نیز حالت تبلیغی و تهبیجی آشکاری به فیلم می‌دهد. این ویژگی در گفتار متن فیلم «شکوه تخت جمشید» کاملاً مشهود است.

ایران کشوری است با تاریخ و تمدن بسیار کهن. آثار متنوع برجای مانده در گذر تاریخ و میراث مادی و معنوی ایران، دستمایه‌ها و موضوعات ایران‌شناسی باستان‌شناسی است لیکن در تاریخ سینمای مستند ایران نهاد یا مؤسسه خاصی برای سازماندهی و پشتیبانی مادی و معنوی مستمر و برنامه‌ریزی‌شده از فیلم‌های باستان‌شناسی و یا به‌طور کلی فیلم‌های تاریخ‌نگار ایران، تأسیس نشده است. این کار حتی در قالب گروه یا یک دپارتمان مطالعاتی و پژوهشی «فیلم مستند و باستان‌شناسی ایران» در مؤسسه یا سازمان یا وزارتخانه‌ای فرهنگی و رسانه‌ای نیز صورت نگرفته است (در صورتی‌که مثلاً در حیطه فیلم‌های مستند صنعتی ایران در شاخه مربوط به صنایع نفت، مستندسازی از دیرباز در روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران نهادینه شده است). این در حالی است که در تعدادی از وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی و همچنین در دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای آموزشی و پژوهشی ایران، تمرکز بر مقوله شناخت و معرفی تمدن

و فرهنگ یا تاریخ علوم و هنرهای ایران - و به طور کلی موضوعات ایران‌شناسی، چه در گذشته و چه در زمان حال - در زمره اهداف و حتی از دلایل و انگیزه‌های تأسیس آنها بوده است لیکن آنها کاری رسانه‌ای، به‌ویژه در حیطه فعالیت‌های درخور تأمل مستندسازی، انجام نداده‌اند. این کاستی در فیلم‌های مستند «حیات وحش ایران» نیز که قاعدتاً می‌بایست در نهادهای مسئول محیط زیست و در «واحد مستندسازی و مطالعات بصری حیات وحش ایران» ساخته شوند، به چشم می‌خورد. مطالعه بصری و اطلس نگاری مستند جغرافیای طبیعی و به طور کلی تاریخ طبیعی ایران، از شاخه‌های مهم ایران‌شناسی و از جمله ایران‌شناسی تاریخی است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. Casper J. Kramer
۲. Jean Laude
۳. films de travail
۴. films d'enseignement

۵. البته فیلم‌های مستند را این‌گونه نیز می‌توان طبقه‌بندی کرد:

الف) بر پایه موضوع؛

ب) بر پایه اهداف، دیدگاه و رویکرد؛

ج) بر پایه شکل و ساختار؛

د) بر پایه شیوه‌ها و تکنیک‌های تولید (فرایند تولید انواع مستند)؛

ه) بر پایه نوع تجربه‌ای که به مخاطب منتقل می‌کند (ضابطی‌چهرمی، ۱۳۸۷، ۲۹۵).

۶. single site
۷. Cracking the Stone Henge Code
۸. Who Discovered America?

۹. این بخش به‌صورت فشرده از این منبع نقل شده است:

Wight Beale, Thomas & F. Healy, Paul (1975) *Archaeological Films: The past as present*, *American Anthropologist: New Series*, Vol. 77, No. 4, Blackwell Publishing on behalf of the American Anthropological Association.

۱۰. Dorothy Garrod's

۱۱. Carmel

۱۲. The Rainbow Bridge-Monument Valley

۱۳. Garner

۱۴. Tennessee Valley Authority

۱۵. Shell Mounds

۱۶. Arthur Baggs

۱۷. تپه‌های مارلیک که از ابتدای پاییز ۱۳۴۰ش به سرپرستی دکتر عزت‌الله نگهبان حفاری شد، گورستانی متعلق به امیران محلی است.

۱۸. البته استثناهایی چون مجموعه مستند «شگفتی‌های تخت‌جمشید» (۱۳۸۱-۹۰) ساخته هرمز امامی نیز وجود دارد (بخش مصاحبه با کارشناسان معماری در فضای تخت‌جمشید، بدون اقدام عملی کارشناس و بدون پرداختن به تحلیل و تبیین نمونه‌ای عینی از دیدگاه‌هایش، زائد به نظر می‌رسید).

## منابع

- امامی، همایون (۱۳۸۸) *جستاری در گونه‌شناسی سینمای مستند ایران*، اداره کل پژوهش‌های سینما، تهران.
- امامی، همایون (۱۳۸۹) *نقدی بر سیر تحول گفتار در سینمای مستند*، دانشکده صدا و سینما، تهران.
- امید، جمال (۱۳۷۴) *تاریخ سینمای ایران*، روزنه، تهران.
- تهامی‌نژاد، محمد (۱۳۸۱) *سینمای مستند ایران عرصه تفاوتها*، سروش، تهران.
- جاودانی، هما (۱۳۸۴) *سال‌شمار تاریخ تلویزیون ایران (۲۵ اردیبهشت ۱۳۳۵ - ۲۹ اسفند ۱۳۵۹)*، ناشر نویسنده، ج ۱، چاپ اول، تهران.
- دهقان پور، حمید (۱۳۸۲) *سینمای مستند ایران و جهان*، سمت، تهران.
- ضابطی‌جهرمی، احمد (۱۳۸۷) *سی سال سینما*، گزیده مقالات سینمایی (۱۳۵۰-۱۳۸۵)، چاپ اول، نشر نی، تهران.
- فاگان، برایان (۱۳۸۲) *سرآغاز: درآمدی بر باستان‌شناسی (اصول، مبانی و روشها)*، ترجمه: غلامعلی شاملو، سمت، تهران.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶) *درآمدی بر انسان‌شناسی تصویری و فیلم اتنوگرافیک*، نشر نی، تهران.
- ملک، شهمیرزادی، صادق (۱۳۸۲) *ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده‌دم شهرنشینی*، سازمان میراث فرهنگی کشور، چ ۲، تهران.
- مهرابی، مسعود (۱۳۷۵) *فرهنگ فیلمهای مستند سینمای ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۵*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- نفیسی، حمید (۱۳۵۷) *فیلم مستند*، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- تهامی‌نژاد، محمد (۱۳۹۰) «فیلم مستند و مطالعات بینارشته‌ای فراتر از موضوع مورد مطالعه»، از وب سایت:

<http://anthropology.ir/>

- Wight Beale, Thomas & F. Healy, Paul (1975) "Archaeological Films: The past as present", *American Anthropologist: New Series*, Vol. 77, No. 4, Blackwell Publishing.